

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

صص ۱۵۹-۱۷۶

## بررسی تطبیقی جنگ روانی از دیدگاه فقه امامیه و عامه

سیدحسن چاوشی<sup>۱</sup>، دکترسیدمحمد مهدی احمدی<sup>۲\*</sup>

۱- دانشجوی دکترای فقه ومبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

### چکیده

جنگ روانی با توجه به پیشرفت چشمگیر که در حوزه تکنولوژی بخصوص در عرصه فناوری ارتباطات بوجوآمده است، امروزه به مهمترین ابزاری در خدمت منافع و مصالح نظام های استکباری تبدیل شده است. جنگ روانی گرچه به قدمت تاریخ جنگ‌های بشردارد، در عصر حاضر از جهت ابعاد، ماهیت و پیچیدگی، تفاوت پیدا کرده است. گفتنی است که بالاترین هنر در زمان جنگ، پیروزی در نبرد رودررو نیست، بلکه وادار به تسلیم نمودن دشمن بدون خشونت و خونریزی است و جنگ روانی می‌تواند در فاصله زمانی کوتاه، موجب برهم خوردن نظم اجتماعی در یک کشور و از بین رفتن استقلال آن ودر نتیجه تسلیم در برابر دشمن شود. امروزه بیش از گذشته، جنگ روانی از اهمیت بالای برخوردار گردیده و در قالب‌های مختلف صورت می‌گیرد. و با توجه به اهمیت این موضوع در شرایط فعلی، در این نوشتار به جنگ روانی پرداخته شده و ابعاد آن از منظر فقه امامیه و عامه مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** جنگ روانی، فقه، خدعه، شایعه، ادله جنگ روانی، اختلال نظام.

### مقدمه

پس از پیشرفت روز افزون فناوری ارتباطات و گسترش چشم گیر علم و تکنولوژی، حوزه عملکرد ارتباطات جامعه‌ی جهانی متنوع شد و به تبع آن دگرگونی که حول محور فناوری ارتباطات بوقوع پیوسته است، زمینه ساز تغییر فناوری، از فناوری صنعتی به فناوری اطلاعاتی و جنگی گردید. از این رو، امروزه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جهت تأثیرگذاری بر روح و افکار ملتها به عنوان مهمترین ابزار قدرت ملی کشورها، مطرح شده است. امروزه با توجه به پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و نوآوری‌های در حوزه استراتژی‌های تهاجمی و دفاعی، دگرگونی‌های چشمگیری در نحوه جنگیدن حاصل و نیز متنوع و پیچیده شده و استفاده از جنگ افزارها و تسلیحات نظامی نیز تغییر ماهیت پیدا کرده و به تقابل در عرصه روح و روان ملتها کشیده شده است که امروزه به چنین تقابلی جنگ روانی گفته می‌شود.

جنگ روانی قوی‌تر از هر نوع بمب و جنگ سخت‌افزاری و نظامی است. چه بسیار نبردهایی که به وسیله حربه‌های روانی به پیروزی رسیده‌اند و چه بسیار نیروهای توانمند نظامی و سیاسی که به وسیله جنگ روانی شکست خورده‌اند. با بیان اهمیت این موضوع در شرایط حاضر، لازم است این مسئله نوپیدا را از ابعاد مختلف موردکنکاش قراردهیم متأسفانه این بحث در بین منابعی که پیرامون جهاد و جنگ در اسلام نوشته شده غریب است و کسی بدان نپرداخته است. و با توجه به غنای این بحث در قرآن، روایات اسلامی و بعضا منابع فقهی، منزلتی که در ترسیم استراتژی جنگ با دشمنان دارد، بحث مستقلی را می‌طلبد. این نوشتار صرفاً در پی آن است که به تبیین جواز یا عدم جواز جنگ روانی به عنوان پدیده مبتلا به روز از منظر فقه امامیه و عامه بپردازد. بررسی این موضوع باعث می‌شود تا انعطاف و قابلیت فقه اسلامی در قبال مسائل و موضوعات مستحدثه‌ی فقهی، بیش از پیش بر همگان آشکار گردد. باشد که با این گونه مباحثات کاربردی، گامی اولیه برای نمایان ساختن توان و ظرفیت عظیم فقه اسلامی در پاسخگویی به مسائل پیچیده و مبتلا به فقهی، برداشته شود.

### مفهوم شناسی

#### الف: لغت

جنگ در لغت به معنای جدال و قتال، کار و زار و نبرد، پیکار، و رزم آمده است (خدا پرستی، ۱۳۸۵ ش ۲۵۳) در اصطلاح آرمودن نیرو با استفاده از اسلحه، بین ملتها (جنگ با نیروهای خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل کشور (جنگ داخلی) (آلن بیرون، ۱۳۸۰ ص ۴۴۹). مبارزه مسلحانه بین کشورها یا مردم یک کشور برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی (آقا بخشی، ۱۳۸۹ ص ۲۴۶). گاستون بوتول جامعه-شناس معاصر فرانسوی در باب تعریف جنگ گفته است: مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان یافته. (متفکر، ۱۳۸، ۱۷) استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود. (جان ام کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸) استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات به وسیله عوامل آشکاری همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... عوامل پنهانی مانند، شایعه به منظور تحریف عقاید، تضعیف روحیه و بی‌اعتبار کردن انگیزه‌ها و کاستن از اقتدار حکومت مخالف می‌باشد. (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

واژگانی چون: کید، غدر، مکر و خدعه معانی متفاوتی دارند. کید سعی در ضرر رساندن به دیگری به صورت حيله کردن معنا شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹) غدر به هر نوع عملیات ناجوانمردانه گفته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹ ذیل واژه غدر) مکر به معنای تدبیر برای ضرر رساندن (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۴۳) و یا حيله‌گری در نهان آمده است (ابن منظور ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۳) منصرف کردن غیر، از تصمیم خودش به وسیله نیرنگ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۲). معادل مکر در فارسی به معنای فریب و نیرنگ است. (دهخدا، ۱۳۷۳ ص ۱۸۸۹۱) مکر در اصطلاح به معنای جستن راه‌های پنهان برای آزار رساندن به مردمان است (نراقی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶) مکر در قرآن درباره خداوند مطرح شده است (آل عمران ۵۴/، انفال ۳۰/، اعراف ۹۹/ ) و از این رو برخی مکر را درقران به معنای تدبیر و تقدیر دانسته‌اند (قرشی، ۲۶۵: ۱۳۷۱) رونالد پروس، واژه معادل برای جنگ روانی ذکر کرده که گروه‌ها و افراد مختلف بکار

می‌برند. برخی از آن‌ها عبارتند از: جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ کلامی، مبارزه اطلاعاتی، جنگ کلمه، عقیده (نصر، ۱۳۸۱، ص ۸۹ و ایلخانی‌پور؛ ۱۳۸۳ ش، ص ۸). برخی جنگ سرد را نیز مرادف با این اصطلاح می‌دانند؛ اما گروهی این دو را متفاوت با همدیگر دانسته و قائلند که اگر تبلیغات برای پیشبرد عملیات نظامی باشد، جنگ روانی است و اگر برای پیشبرد اهداف سیاسی متکی به قدرت نظامی باشد، جنگ سرد است (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۹) واژه جیل، جمع حیل، از ریشه عربی حول به معانی مختلف از جمله قدرت بر تصرف، توانایی، جودت نظر و زیرکی است (زبیدی، ۱۴۱۴/۱۹۹۴، ص ۳۶۶)

فقه از نگاه لغت دارای معانی ذیل است: «العلم فی الدین (فراهدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۰). علم در باره دین است: «هو التوصل الی علم غایب بعلم شاهد، فهو اخص من العلم. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۲ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۵) به معنای درک و فهم: «العلم بالشیء والفهم له. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۲) دانستن چیزی و فهم آن، مهارت و هوشیاری (مهیار، بی تا و بیجا ص ۱۰۸). در کتاب قاموس به معنای فهمیدن آمده است. (قرشی، ۱۳۷۱ ص ۱۹۷)

روان در لغت عبارت است از روح انسانی (بطور اخص) که مقابل جان، روح مطلقا آمده است (معین ۱۳۶۳ ش، ص ۷۵۷). در اصطلاح روانشناسی یعنی شناختن روان یا ذهن، چون نمی‌توانیم از فرایند ذهنی دیگران یعنی از آنچه در درون مغز دیگران اتفاق می‌افتد شناخت مستقیم داشته باشیم به اجبار باید عملکرد آن‌ها یا به سخن دیگر، رفتار آن‌ها را در نظر بگیریم. (گنجی، ۱۳۸۸ ص ۴) روانشناسی اجتماعی: «حوزه‌ای علمی که در جستجوی درک ماهیت و علل رفتار و افکار فرد در موقعیت‌های اجتماعی است. (رابرت بارون و دیگران، ۱۳۸۹ ص ۷)

جنگ روانی در اصطلاح همان جنگ کلمه و عقیده است، خواه به صورت مخفی باشد یا آشکار، شفاهی باشد یا کتبی؛ اساسا سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد، می‌توان به اعماق وجود او نفوذ کرد. (نصر، ۱۳۸۱ ش، ص ۹۵-۹۶) تلاش و کوششی است نظامدار و برنامه‌ریزی شده برای تخریب یا تضعیف روحیه حریف یا دشمن. (کریمی، ۱۳۷۲ ص ۱۸۳) کلاوزویتس در این باره گفته است: «جنگ عمل خشونت‌آمیزی است به قصد اینکه دشمن را واداریم به اراده ما گردن نهد (جمالی و دیگران، ۱۳۸۶ ص ۱۳۹). از تعاریف بالا بدست می‌آید که جنگ اقدام مسلحانه، استفاده از اسلحه همراه با خشونت بوده است و اما جنگ روانی رفتاری است بدون خشونت و بطور غیرآشکار. جنگ روانی از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر، وارد ادبیات سیاسی و ارتباطی شده است در باب تعریف جنگ روانی دایره المعارف بریتانیا چنین می‌نویسد: «فرایند بهره‌بر داری صحیح و طراحی شده از تبلیغات که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان و تأثیرگذار بر آنان، به منظور پیروزی در جنگ و تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آنان است. (سایت بریتانیکا. افتخاری، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۰). در تعریف مشابه در این باره آمده است: جنگ روانی استفاده دقیق از تبلیغات و دیگر اعمالی است که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، انگیزه‌ها و رفتار دشمن، افراد بی طرف یا دوست، به نحوی که عامل پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۵)

در تعریف دیگر آمده است: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (کالینز، جان. ام، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش باندرد، (تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۰ ص ۴۷۸) امروزه جنگ روانی واژگان هم خانواده‌ای دارد و یکی از آن‌ها عملیات روانی بوده است. عملیات روانی عبارت است از: فرایند ارتباطی که در آن دو طرف شرکت نمایند یکی از آن‌ها و یا هر دو می‌کوشند تا با تأثیر گذاشتن بر افکار، عواطف و تمایلات طرف دیگر، او را به انجام رفتاری مطابق خواست خود وادار کنند. (افتخاری، ۱۳۹۳، ص ۶۸۳).

## دو نوع جنگ

### الف\_جنگ سخت

نوعی اعمال قدرت سخت است و قدرت سخت عبارت است از فشارهای نظامی و اقتصادی ملموس برای وادار کردن دیگران به تغییر موضع. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۷). در تعریف جنگ روانی، آمده است: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸)

### ب\_جنگ نرم

جنگ نرم شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۵۹). جنگ نرم، اصطلاحی که در سال‌های اخیر مطرح گردیده و برای اولین بار توسط جوزف نای نظریه‌پرداز آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۸۰م مطرح شد (جوزف نای، ۱۳۸۸، شماره ۲۱، ص ۱۲۸) تفاوت جنگ نرم و جنگ سخت (لطیفی، ۱۳۸۹، ص ۹۴)

جنگ نرم فرامنطقه‌ای است. جنگ سخت محدود به جغرافیای خاصی است.

جنگ نرم بی‌سر و صدا عمل می‌کند، جنگ سخت پر سر و صدا و همراه با غرش لاج‌های رزمی است.

جنگ نرم دامنه‌ای گسترده دارد و همه اقشار جامعه را هدف می‌گیرد، جنگ سخت دامنه اش نوعاً محدود به نظامیان و نیروهای رزمی است.

جنگ نرم شیوه‌ها و ابزارهای آن گوناگون، گسترده، ظریف و کم هزینه است، در جنگ سخت شیوه‌های آن، محدود و پرهزینه است.

جنگ نرم تلفاتش تدریجی و نامحسوس است و احساس برانگیز نیست، در جنگ سخت تلفاتش یکباره، محسوس و احساس بر انگیز است (آخوندی، ۱۳۹۲، ص ۱۹)

### ویژگی‌های جنگ نرم

ماهیت جنگ بسیار پیچیده است از این رو از ویژگی‌های خاصی برخوردار است مانند:

جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی باور، ارزش‌ها و رفتارهای جامعه‌ی هدف و ساختار سیاسی آن است. مرموز، آرام، تدریجی، خزنده زیرسطحی، نامحسوس و رمز آلود است. جذاب و استخدماگر. دشمن در جنگ نرم با ایجاد جاذبه کاذب، چنان عمل می‌کند که نیروهای درون جامعه هدف، خواسته یا ناخواسته، در استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در آمده و به آن شدت بیشتری می‌بخشد. محرک افکار و عواطف. مهندسان جنگ نرم می‌کوشند با نماد سازی، اسطوره آفرینی و خلق ارزش‌های نوپدید، در افکار و باورهای کشور هدف نفوذ کنند و با تحریک عواطف و احساسات، بستری را برای خلق بحران فراهم آورند (آخوندی، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

### فرق جنگ روانی با عملیات روانی

میان جنگ روانی با عملیات اختلاف وجود دارد و تقریباً کار برد و تأثیر متفاوتی دارند که در این فرصت از نوشتار به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- جنگ روانی عبارت است از تبلیغات طرح‌ریزی شده و سایر اقدامات روانی که بقیه منظور نفوذ در عقاید، احساسات، و حالات و رفتار گروه‌های مورد نظر از آن استفاده می‌شود و اصولاً جنگ‌های روانی، هدف‌های ملی را در زمان جنگ پشتیبانی می‌کند.

اما عملیات عبارت است از جنگ‌های روانی و دیگر فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه‌های مورد هدف (دوست، بیطرف، دشمن) به منظور نیل به هدف‌های ملی طرح ریزی و اجراء می‌گردد. (متفکر، ۱۳۸۵، ص ۲۰ نبرد مخصوص، ۱۳۶۵، ص ۳۲)



### ب) تهدید به قتل و مثله شدن

از دیگر شیوه‌های نظام سلطه، تهدید به کشتن مخالفین خود بوده است. فرعون ساحران را بعد از ایمان آوردنشان به حضرت موسی(ع)، تهدید به قتل و مثله شدن نمود تا از طریق این تهدید آنان را مطیع خود سازد و از ایمانشان برگرداند؛ چنان که قرآن کریم از زبان او می‌فرماید: «لَأَقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ. (اعراف: ۱۲۴) حتماً دست‌هایتان و پاهایتان را خلاف یکدیگر قطع خواهم کرد. سپس همه شما را به دار خواهم کشید. در این آیه تهدید به قتل از سوی دشمنان به بدترین شکل ممکن؛ یعنی تکه تکه کردن و سپس کشتن آمده است. این جمله تنها خبر دادن از آینده نبود؛ بلکه عملیات جنگ روانی به واسطه تهدید به عذاب و مثله کردن بود تا برگردند و تسلیم شوند. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۱۱)

#### جنگ روانی در آئینه نگاه فقه امامیه و عامه

ابزارها و شیوه‌های که بیانگراستفاده از جنگ روانی در عرصه‌ی نبرد با دشمن باشد، در برخی از متون روایی و فقهی امامیه و عامه به چشم می‌خورد که هر کدام قابل توجه بوده است و ذیلاً این موضوع از منظر فقه امامیه و عامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### الف: از منظر امامیه

از منظر فقه امامیه، جنگ بطور کلی و جنگ روانی بطور خاص، مقوله‌ای است غالباً حکومتی که بر عهده حاکم شرع می‌باشد و اما در دنیای غیراسلامی برعهده و مسئولیت دولت‌های رسمی و قانونی می‌باشد. مفهوم جنگ آنچه که در ذهن یک مسلمان تداعی می‌کند با آنچه که در ذهن غیرمسلمان و ساکن در غرب می‌آید، تفاوت فاحشی وجود دارد و از این رو نمی‌توان برای این موضوع، چارچوب و شاخص که در جهان غرب مطرح می‌سازند، پیدا کرد و مانند دستورات عملی و دینی در حوزه معارف اسلام چون روزه و نماز... یک نوع حکمی ثابت و تغییرناپذیر صادر نمود که ادله آن در منابع فقهی وجود دارد و با استنباط و استخراج آن توسط فقها، بدست می‌آید.

گرچه بطور مشخص در متون فقهی و کلام فقها، تعبیر جنگ روانی به کار نرفته است، با توجه به جنگ روانی و اهداف و ضرورت آن در شرایط فعلی، می‌توان این مسئله مهم را مورد بررسی و کنکاش فقهی قرار داد. گفتنی است که عناصر تشکیل‌دهنده جنگ روانی از جمله مقولاتی هستند که فقهای امامیه در متون فقهی بدان توجه داشته‌اند و آن را از ابعاد و زوایای مختلف بررسی فقهی نموده و جایز دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳ ق ص ۱۲۷) یکی از مستندات جواز جنگ روانی استفاده از نیرگ در عرصه جنگ روانی است که به این مضمون از امام باقر (ع) نقل شده است که امیر مومنان (ع) فرمود: «است. شنیدم پیامبر در روز قندق فرمود: جنگ خدعه است و اینکه هر چه می‌خواهید بگوئید (طوسی، ۱۴۰۷ ص ۱۶۲ و ۱۶۳) علامه حلی، صاحب جواهر، محقق سبزواری با توجه به این روایت به جواز جنگ روانی فتوا داده‌اند. (حلی، بی تا ص ۶۰ و سبزواری ۱۴۱۳ ق ص ۱۶۲)

خدعه نیز از واژگانی است که با جنگ روانی مرتبط است و معنای شبیه مکر دارد (لسان العرب ... ص ۶۳) و این واژه پنج بار در قرآن بکار رفته است (بقره/۹، نساء/۱۴۲، انفال/۶۲). در لغت به معنای «مایخدع به» آمده است. یعنی آنچه به وسیله آن خدعه ورزیده می‌شود که عبارت از «مکر و حیله و فریب» است. (قاموس المنجد، ماده خدع) به معنای مخفی کردن موارد که شأن آن ظاهر کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷۰) در روایات در سه مورد دروغ جایز شمرده شده است. به عنوان نمونه این روایت می‌گوید: «ثلاثة يحسن فیهین الکذب المکیده فی الحرب و عدتک زوجتک و الاصلاح بین الناس برخی از فقهای امامیه به این روایت در جواز جنگ روانی استناد کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲۱ و امام خمینی ۱۴۱۵: ۱۱۶) در فقه اسلامی، خدعه در جنگ جایز است. علامه حلی در کتاب‌های تذکره و منتهی بر این مطلب، ادعای اجماع نموده است. (نجفی، ۱۳۶۲: ۸۰)

علامه حلی در تذکره الفقها می‌نویسد: خدعه در جنگ جایز است و مبارز می‌تواند رقیب خویش را با توسل به خدعه فریب دهد و به قتل برساند و این مسئله اجماعی است. شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) پس از اشاره به عدم جواز غدر، خدعه در جنگ را جایز می‌داند و معتقد است: در «تذکره» و

«منتهی» بر این امر اجماع شده است (نجفی، ۱۳۶۲ ص ۷۹). حضرت علی (ع) حدیث پیامبر اکرم (ص) را که به یاران خویش فرموده بود: «غَبَرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ» (ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ۱۹۶۷ ص ۱۲۲) خضاب کنید و مانند یهودیان نشوید، مخصوص زمان پیغمبر می دانست و معتقد بود این دستور، تاکتیک جنگی بود که دشمن نکوید اینها یک عده پیر و سالخورده هستند؛ یک حیلۀ جنگی بود که رسول اکرم (ص) به کار می برد. ولی امروزه هر که بخواهد خضاب کند و هر که نخواست خضاب نکند (مطهری، ۱۳۹۰ ص ۳۰ - ۲۹).

اما برخی از فقهای امامیه بر این باورند که غدر در جنگ جایز نیست و به این روایت استناد کرده اند: «صاحب جواهر روایت دیگری را از امام صادق (ع) نقل می کند. در این روایت، سائل از امام (ع) می پرسد: اگر دو گروه از اهل حرب که هر کدام حاکم جداگانه ای دارند، به جنگ بپردازند سپس صلح کنند بعد یکی از حاکمان نسبت به دیگری غدر کند، یعنی مثلاً نزد مسلمانان بیاید و بخواهد با آن ها پیمان ببندد که با رقیبش به جنگ بپردازند، حکم این مسئله چیست؟ حضرت فرمودند: لا ینبغی للمسلمین ان یغدروا و لا یامروا بالغدر و لا یقاتلوا مع الذین غدروا. (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۷۹). برای مسلمانان غدر و امر به غدر، همچنین همکاری با کسانی که غدر کرده اند، جایز نیست. بنابراین با توجه به اینکه غدر در واقع خیانت و نیرنگ است و عملی قبیح و غیر انسانی شمرده می شود، در دین منع شده است. حضرت علی یکی از علائم انسان های صادق را اجتناب از غدر دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ص ۱۲۰)

#### ب: از منظر عامه

در حوزه نگاه فقهی اهل سنت استفاده از حیلۀ ونیرنگ در عرصه ی رویارویی با دشمن جایز شمرده شده است زیرا از منظر اهل سنت این روش به خاطر پیشگیری از شکست و چاره جویی برای نیل به هدف بوده است. در این نگاه حیلۀ به معنای نخست (معنای عام)، برخلاف معنای خاص آن، هم چاره جویی های مثبت را در برمی گیرد و هم چاره جویی های منفی و آمیخته با مکر و فریب را.

در متون دینی (قرآن و احادیث)، کاربرد واژه حیلۀ یا حیل به معنای عام و حتی در معنای چاره جویی مثبت و مجاز کم شمار نیست؛ مثلاً مفسران اهل سنت مفهوم عبارت «لا یستطیعون حیلۀ» را، در تنها آیه قرآن که این واژه در آن به کار رفته است، (ابن قیم ۱۹۷۳ ص ۲۴۰) عسار و ناتوانی از رهایی دانسته اند (قرطبی، ۱۹۸۵/۱۴۰۵، ص ۸۹). در احادیث اهل سنت هم موارد متعددی از این نوع کاربرد را می توان یافت که فراتر از حوزه جنگ با دشمنان بوده است که برای حل مسائل دشوار دینی و شرعی به حیلۀ تعبیر شده است (بحیری، صابری، مشهد ۱۳۷۶ ش. ص ۱۲۲ بخاری ۱۹۸۱/۱۴۰۱، ص ۵۹، بوسیش، ۲۰۰۵/۱۴۲۶، ص ۸۳-۸۴).

هر چند واژه حیل در متون فقهی به وفور به کار رفته و اصطلاح شده است، معنای اصطلاحی آن در مذاهب و منابع فقهی همسان نیست. بسیاری از فقها، به ویژه حنبلیان که حیل شرعی را نپذیرفته اند، مراد از حیل را مفهوم منفی آن یعنی «کاربرد وسایل و شیوه های پنهان به قصد حلال کردن حرام الهی یا ساقط کردن واجبات» شمرده اند. (ابن قدامه، ۱۹۸۳/۱۴۰۳ ص ۵۱۳، ۱۹۸۳. ابن تیمیہ، ج ۱، ۱۹۹۸/۱۴۱۸ ص ۲۴۷-۲۴۸) در مقابل، بسیاری از حنفیان حیل را به گونه ای مثبت یعنی «چاره جویی برای رهایی از تنگناهای شرعی» یا «روش های رهایی از حرام و دستیابی به حلال» تعریف کرده اند. (سرخسی، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ ص ۲۱۰. ابن عابدین (محمد بن محمد امین)، حاشیۀ قرۀ عیون الاخیار، ج ۸، ص ۴۵۷، چاپ افست بیروت ۱۳۹۹) به نظر برخی مؤلفان، سبب بسیاری از اختلاف دیدگاه ها درباره موضوع حیل، مطرح نشدن تعریفی جامع و فراگیر از آن در منابع فقهی مذاهب مختلف است.

در متون فقهی عامه، مراد از حیلۀ در معنای عام، چاره جویی و به کار بردن شیوه های پنهانی است که برای رسیدن به هدف استفاده می شود، و شناخت آن به نوعی زیرکی و تیزبینی نیاز دارد. معنای خاص حیلۀ، که در میان عامه مردم هم شهرت دارد، روش هایی مخفی است که برای اغراض ناپسند و نکوهش شده در شرع یا عرف استفاده می شود که به نظر برخی، این کاربرد در متون دینی هم رایج است.

از تبیین واژه حيله و کار برد و قلمرو آن و نیز تحلیل اهل سنت از گستره مفهوم حيله، بدست می‌آید که ایشان جنگ روانی را در بساری از موارد جایز می‌دانند و در مباحث فقهی خود با استفاده از بعضی از کلمات و اصطلاحات که مفهوم جنگ روانی را می‌رساند، به این مهم اشاره کرده‌اند.

### عدم جواز غدر از منظر اهل سنت

اما برخی از بزرگان عامه، استفاده از روش حيله را در جنگ جایز نمی‌دانند و بر این باورند که: «در سیره پیامبر اکرم (ص) غدر، خیانت و نیرنگ وجود نداشت. از آن حضرت روایت شده که فرد خیانتکار و «غادر» در روز قیامت با پرچمی که دارد شناخته می‌شود. (ابن حنبل، ج ۲، ۱۴۱۷ ص ۶) در سیره آن حضرت موارد متعددی وجود دارد که یاران خویش را از غدر منع کرده است (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۳۴ ص ۷۷ واقدی، ج ۲، ۱۴۰۹ ص ۷۵۷ ابن‌هشام ج ۲، ۱۳۵۵ ق ص ۶۳۲) پس از صلح حدیبیه پیامبر اکرم (ص) با توجه به پیمانی که با قریش در حدیبیه بسته بود، به ابوبصیر که از مکه فرار کرده و به مدینه آمده بود، فرمود: «در دین ما غدر درست نیست تو باید به مکه باز گردی. (واقدی، ج ۲، ۱۴۰۹ ص ۶۲۵؛ ابن‌هشام، ج ۲، ۱۳۵۵ ص ۳۲۳. ابن‌سعد، ج ۴، ۱۹۶۸ م ص ۲۱۵)؛ نیز، پیامبر اکرم (ص) حاضر نشد اموالی را که مغیره بن شعبه با کشتن خائنانه عده‌ای از مشرکان به دست آورده بود، بگیرد، و معتقد بود کار مغیره غدر است و در غدر و خیانت، خیری نیست. (ابن‌سعد، ج ۴، ۱۹۶۸ ص ۲۱۵). آن حضرت پس از صلح حدیبیه و اعتراض عمر بن خطاب که صلح با قریش را مذلت و خواری می‌دانست، شکستن آن پیمان را مصداق غدر معرفی کرد. (واقدی، ج ۲، ۱۴۰۹ ص ۶۲۵؛ ابن‌هشام، ج ۲، ۱۳۵۵ ق ص ۳۲۳).

### حيله و کار برد آن در فقه عامه

پیشینه مبحث حيله در احکام فقهی به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و حضرت علی علیه السلام بازمی‌گردد، مثلاً می‌توان این حدیث نبوی که جنگ، فریب و خدعه است (الحربُ خُدْعَةٌ) و نیز توره پیامبر و صحابیان را از ادله تجویز حیل از نوع منفی در شرایط خاص به شمار آورد. (بخاری، چاپ محمد ذهنی افندی)، ۱۹۸۱/۱۴۰۱ ص ۲۴، سرخسی، ج ۳۰، ۱۹۸۶/۱۴۰۶ ص ۲۱۳).

کهن‌ترین اثر موجود درباره حیل در فقه اسلامی کتاب المخارج فی الحیل محمد بن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹)، فقیه مشهور حنفی، است. (محمد بن ابراهیم، ج ۱، ۹۸۳ ص ۳۵) البته گاه ابو حنیفه (متوفی ۱۵۰) صاحب کتابی درباره حیل معرفی شده و کتاب شیبانی به او منسوب گردیده و گفته شده که او به این سبب امام اهل حیل خوانده شده است. (غیب غلامی هرساوی، ۱۴۲۰/۲۰۰۰ ص ۵۵) همچنین برخی، ادعا کرده‌اند که این کتاب اثر شیبانی نیست و شاید گردآورده برخی ورآقان بغداد باشد.

حتی نقل شده که شیبانی خود، این کتاب را اثر خویش ندانسته است (سرخسی، ج ۳۰، ۲۰۹ ص بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶ ص ۲۰۹، تهرانوی. ۲۰۰۱/۱۴۲۱ ص ۸۸۱۹-۸۸۲۰) ولی محتوای کتاب مذکور و به ویژه نقل عمده روایات آن از قاضی ابویوسف (متوفی ۱۸۲)، که استاد شیبانی بوده (شیبانی، بی تا. ص ۸۶) مؤید این دو ادعا نیست. (سرخسی، ج ۳۰، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶ ص ۲۰۹ بوبسیش، ریاض ۲۰۰۵/۱۴۲۶ ص ۳۵-۳۷) با این همه، شواهد و قراینی مانند نقل احادیثی در باب حیل از ابوحنیفه و نیز ماجراهایی که درباره او گزارش شده، نشان می‌دهد که ابوحنیفه بر کاربرد حیل اصرار داشته است. احادیث مذکور غالباً در دو باب سوگندها (ایمان) و طلاق ذکر شده‌اند. قاضی ابویوسف، شاگرد ابوحنیفه، کاربرد حیل را توسعه داد و از آن پس، حنفیان به کاربرد حیل شرعی مشهور شدند. عبیدالله بن محمد ابن بطّ (فقیه حنبلی، متوفی ۳۸۷) در کتاب خود ابطال الحیل، به رد ادله حیل به ویژه حیل طلاق پرداخته است.

همچنین احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه (فقیه حنبلی، متوفی ۷۲۸) در آثار خود، از جمله بیان الدلیل علی بطلان التحلیل (که موضوع اصلی آن بحث طلاق و محلّ گرفتن است)، و شاگردش ابن قیم جوزیه در اغاثة الله فان و اعلام الموقعین، در ادله تجویز حیل، به طور مبسوط و با لحنی تند مناقشه کرده‌اند. با این همه، تأمل در آرای این دو فقیه حنبلی نشان می‌دهد که در موارد متعددی قائل به حیل شده‌اند (محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۳ ص ۴۰-۴۳).

## اهل سنت و دو نگاه در مورد خدعه در جنگ

### ۱- عدم جواز خدعه در جنگ

اهل سنت در برخی موارد نیرنگ را از افعال مذموم دانسته و در این رابطه گفته‌اند: «أكثر ما تستعمل هذه الألفاظ (المكر والخديعة والكيد) في الفعل المذموم و هو الأشهر عند الناس و ذلك بأن يقصد فاعله إنزال مكروه بمن لا يستحقه ومنه قول النبي صلى الله عليه وسلم "الخديعة في النار" (بخاری، ۱۴۲۰هـ ص ۷۵). آی تودی بفاعلها إلى النار. اغلب مورد استعمال این واژه‌ها یعنی مکر، خدعه و کید، در فعل مذموم بوده است این در نزد اکثر مردم مشهور است زیرا کاری انجام می‌شود که طرف مستحق آن نیست. و از این رو پیامبر اکرم(ص) فرموده است که خدعه در آتش است.

### ۲- جواز خدعه

در برخی شرایط خدعه را برای مصالح جایز می‌دانند و در این باره گفته‌اند: «و قد تستعمل تلك الألفاظ في الفعل المحمود وذلك بأن يقصد فاعله إلى استدراج غيره لما فيه مصلحته كما يفعل بالصبي أو المريض إذا امتنع من فعل ما فيه مصلحته كشرب الدواء ومنه قول النبي صلى الله عليه وسلم: "الحرب خدعة" (البخاری ج-۴، ۱۴۲۰هـ ص ۶۶، نیشابوری، ۱۴۱۲ق ص ۱۴۳) گاهی این واژه در افعال پسندیده استعمال می‌گردد و هدف انجام دهنده آن روی مصالح بوده است مانند رفتار با کودک و مریض زمانی که از خوردن دواء که به مصلحت وی است امتناع می‌ورزد. رسول خدا فرموده است خود جنگ خدعه است.

و قد أجمَلَ الشاطبي في كتابه الفريد في بابه ما ذكرناه فقال: "لا يمكن إقامة دليل في الشريعة على إبطال كل حيلة كما أنه لا يقوم دليل على تصحيح كل حيلة، و إنما يبطل منها ما كان مضاداً لقصد الشارع خاصة و هو الذي يتفق عليه جميع أهل الإسلام، و يقع الاختلاف في المسائل التي تتعارض فيها الأدلة (الشاطبي الغرناطي، ۲۰۰۸م ص ۳۳۷) شاطبی در کتاب فرید خود در توضیح این مطلب گفته است ممکن نیست در شریعت دلیلی در مورد ابطال حيله اقامه گردد چنانچه که نیز دلیلی نمی‌توان اقامه کرد که همه حيله‌ها صحیح بوده است مگر حيله‌های که با مقاصد شریعت در تضاد باشد که در این باب همه مسلمانان اتفاق نظر دارند.

## ادله جنگ روانی

### ۱- عقل:

اسلام دین تعقل و خردورزی است. در تمام بسترهای زمانی و مکانی می‌خواهد پیروان خود و مخالفین را در برابر منطقی و عقلانیت خود با این ابزار تسلیم نماید. از همین جهت است که در اسلام، بلوغ و تکلیف با تعقل و تقلید با معرفت عجین شده است طوری که در اسلام، تکلیف و تقلید بدون تعقل و خردورزی پذیرفتنی نیست.

اگر جنگ روانی با اراده و روحیه طرف مقابل سروکار دارد، با توجه به عنایتی که اسلام به برخورد مسالمت‌آمیز و حاکمیت صلح و صفا بر جوامع انسانی دارد، می‌توان کشف کرد که کاربرد جنگ روانی برای پایان جنگ و جلوگیری از ادامه خونریزی، از ابزار مهم جنگ بشمار می‌رود. در وضع فعلی که رسانه‌های گروهی و امواج تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی وسیعی را بر علیه مسلمانان جهان نموده‌اند، عقل حکم می‌کند که علاوه بر تلاش برای حفظ روحیه خود و کسب شخصیت بایسته اسلامی، باید مقابله به مثل گردد و از وسایل تبلیغاتی مناسب برای شکست تبلیغاتی دشمن بهره گرفت و این کار از نگاه هر انسان خردمند و دلسوز، ضرورتی انکار ناپذیر است.

بدون تردید عقل با شناخت موضوع (نفوذ اجانب و بیگانگان بر مسلمانان به وسیله جنگ روانی و ایجاد اختلال گسترده) و مفاسدی که بر آن مترتب است، در ناروایی و قبح این عمل تردید نمی‌کند، زیرا این عمل از مصادیق بین ظلم است و ظلم به حکم عقل قبیح است، همانطور که دفاع از جان و مال، حکمی است عقلی و عقل حکم می‌کند که انسان در برابر تجاوزی که جان، مال و ناموس انسان را تهدید می‌کند از خود دفاع کند و از هر روش و سلاح و حرب‌های (مشروع) عقل پسند و همگون با شأن انسانی) که موثر باشد، بهره برد. یکی از این سلاح‌ها که بی شک تاثیر فراوانی دارد انواع عملیات روانی است. از آنجا که دین اسلام دین

فطرت است و در تمام بسترهای زمانی و مکانی حضور دارد و راهکار ارائه می‌دهد، عصر حاضر که عصر جنگ رسانه‌ها خوانده می‌شود، شایسته است با حفظ شئون انسان دوستانه در مقابله با جنگ روانی و استعمار فرهنگی رسانه‌ی امروز، خود را با ابزار مدرن تبلیغاتی مجهز کند تا جامعه‌ی مسلمانان از آسیب استعمار فرهنگی و تبلیغی در امان بماند.

## ۲- اجماع

اجماع علما و فقهای امامیه و نیز علمای عامه دلیل دیگری است که در باب جواز جنگ روانی به آن مستند گردیده است. در این باره محقق سبزواری در کتاب مهذب الاحکام، قائل به جواز استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های جنگ روانی در مقابله با دشمن شده است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵\_۱۲۷). همچنین مرحوم نجفی در این باره می‌نویسد: «نعم تجوز الخدعه فی الحرب کما صرح به الفاضل فی جمله من کتبه، بل فی التذکره و المنتهی دعوی الاجماع، قال: تجوز المخادعه فی الحرب و أن یخدع المبارز قرینه لیتوصل بذلک الی قتله اجماعاً (نجفی، ۱۳۶۲: ۷۹)؛ خدعه و نیرنگ در جنگ چنان که علامه حلی در تذکره و المنتهی نیز ادعای اجماع نموده است و در این باره نوشته است: نیرنگ و خدعه در جنگ جایز است و جایز است که مبارزه‌کننده برای رسیدن به هدف و مقصودش که کشتن دشمن است به خدعه و نیرنگ متوسل گردد و این حکم اجماعی است.

بخاری از علمای درجه اول اهل سنت در کتاب صحیح خود به کذب به عنوان راه حيله در جنگ اشاره و آن را در شرایط بحرانی و جنگی جایز می‌داند و در این راستا داستان کعب اشرف را نقل می‌کند که در نقل قولی از پیامبر اکرم، مأمور قتل کعب، مجاز می‌شود که برای انجام ماموریتش هر آنچه خواست بگوید (بخاری، ۱۴۲۰ق ص ۹۰۳) در این کتاب در باب ۱۵۹ به حيله و غافلگیر کردن دشمن در میدان جنگ به خاطر پیشگیری از آسیب و آزار دشمن اشاره و آن را جایز شمرده است. (بخاری، ۱۴۲۰ ق ص ۱۲۱۱) ابن ماجه از دیگر علمای اهل سنت است که در این باب اظهار نظر کرده و احادیث را در موضوع جنگ روانی در کتاب سنن خود آورده است و در این کتاب دو باب از همه روشن‌تر به این موضوع اشاره دارند یکی باب الخدیعه فی الحرب (نیرنگ در جنگ) و دیگری باب التحریق بأرض عدو (ابن ماجه، بی تا ص ۹۴۵/۹۴۸) آتش زدن زمین‌های دشمن در جنگ. این نگاه بیانگر دید روشن اهل سنت در مورد ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن و جنگ روانی بوده است.

از این رو، در اجماع بر جواز جنگ روانی نزد فقیهان تردیدی نیست؛ البته در صورتی که خدعه را مساوی با جنگ روانی بدانیم.

## ۳- کتاب

قرآن کریم که سرچشمه معرفت‌شناسی دینی و فقهی برای مسلمانان بوده است و در همه شرایط زمانی راهکارهای عملی و رفتاری ارائه می‌دهد، با عنایت به رعایت انصاف و شئون انسانی به جنگ روانی اشاره فرموده است. آیات که به جنگ روانی اشاره دارد، آیاتی هستند که خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد تا خود را با ابزارهای روز مجهز کنند و سعی کنند کلیه امکانات و نیروهای را که می‌توان در راه جنگ و دفاع و رسیدن به قدرتی بازدارنده به خدمت در آورد، فراهم کنند که از این جمله قدرت یافتن و مجهز شدن نیروها به ابزارها و تاکتیک‌های جنگ روانی است.

## تظاهر به قوی بودن از منظر قرآن

در اخلاق فردی خودنمایی و تظاهر از صفات نکوهیده است، اما همین امر در میدان کارزار و در برابر دشمن از صفات نیک به شمار می‌رود. چنانچه پیامبر رفتار تحقیرآمیز «ابودجاجه» را در جنگ احد می‌ستاید. تظاهر به قوی بودن از دیدگاه روانشناسی، بازدارندگی طرف مقابل را در پی دارد. اسلام بر این باور است که باید توانایی‌های رزمندگان از هر جهت در میدان نبرد به نمایش گذاشته شود در قرآن اینگونه به موضوع اشاره شده است: «و اعدولهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخیل ترهبون به عدولهم و عدوکم. (انفال ۶/۶) شما در مقابله با آن‌ها، هر چه در توان دارید، از آلات جنگی و اسبان تازه نفس و آماده، برای تهدید و ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آورید. در این آیه واژه قوه اصطلاحاً به هرگونه سلاح و ابزار

نظامی گفته می‌شود که باعث تقویت روحیه رزمندگان در مقابل تجاوز دشمن در میدان جنگ باشد (فاضل کاظمی، بی تا ص ۹۸) قرآن کریم در آیات فراوانی بطور مستقیم یا غیر مستقیم به مسئله به کارگیری ابزارهای جنگ روانی اشاره کرده است و تلاش دارد روحیه رزمندگان اسلام را در صحنه نبرد بالا ببرد. قال تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ تَحْيِيزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَكُذِّبَتْ بَاءٌ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبئسَ المصيرُ (الأنفال. ۱۵-۱۶). ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبرو شوید به آن‌ها پشت نکنید (فرار نکنید) و هر کس در آن هنگام به آن‌ها پشت کند مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی از مجاهدان بوده باشد (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم است.

ابن ادریس در تفسیر این آیه می‌گوید: «قلت: فی الآیة الکریمة دلیل علی تحریم الفرار من الزحف علی غیر المتحرف أو المتحیز، وأنه من کبائر الذنوب كما جاء فی الحدیث، قال العلماء: هذا إذا لم یکن العدو أكثر من الضعف، لقوله تعالی: ﴿الآنَ خَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ﴾ ۲، أما إذا كانوا أكثر فالثبات مستحب والفرار جائز فلیست الآیة باقیة علی عمومها، قال الشافعی رحمه الله " إذا غزا المسلمون فلقوا ضعفهم من العدو حرم علیهم أن یولوا إلا متحرفین لقتال أو متحیزین إلى فئته، وإن کان المشرکون أكثر من ضعفهم لم أحب لهم أن یولوا ولا یستوجبون السخط عندی من الله لو ولوا عنهم علی غیر التحرف للقتال أو التحیز إلى فئته (ابن ادریس شافعی، ۱۴۲۲ق ص ۹۲). ابن ادریس آیه را اینگونه تفسیر می‌کند در این آیه فرار از میدان جنگ از روی ناتوانی و ضعف توانایی نظامی و جنگی حرام است و این از گناهان بزرگ بوده است و براساس حدیث این حرمت در صورت است که نیروهای اسلام در حالت قدرت دفاعی باشد توان جنگ را داشته باشد در این صورت فرار از میدان جنگ جایز نیست و اگر در حالت ضعف نیروهای اسلام و زیادی و قدرت نیروهای دشمن باشد در این صورت فرار و تغییر موضع برای آمادگی جنگی جایز است پس آیه بر عمومیت خود باقی نمی‌ماند.

#### ۴- سنت

جنگ روانی در سیره عملی رسول خدا (ص) مشاهده است که به عنوان الگو و اسوه عملی برای همه مسلمانان در همه اعصار و شرایط مطرح می‌گردد. پیامبر اسلام (ص) پس از سه سال دعوت مخفی، دعوت خود را علنی کرد مخالفت‌های مشرکان مکه نیز به شکل‌های مختلف شروع شد. و تطمیع، استفاده از زور و شکنجه و جنگ روانی از آن جمله بود. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) در ایام حج و غیر آن مردم را به آیین خود دعوت می‌کرد ولی از آن سوی، ابولهب پشت سر پیامبر (ص) با همان افراد تماس برقرار می‌کرد و اثر تبلیغ پیامبر (ص) را با این بیان که وی پسر برادر من و دیوانه است، خنثی می‌کرد. شکنجه بلال حبشی، یاسر، سمیه، عمار و... نمونه‌هایی از جنگ روانی دشمن علیه اسلام بود. پس از هجرت پیامبر اسلام (ص) به مدینه و نزول آیات جهاد، نبرد سربازان اسلام به فرماندهی پیامبر اسلام (ص) بر علیه کفار و مشرکین وارد مرحله جدیدی می‌شود. در کمتر جنگ و نبردی است که در آن طرفین جنگ، از جنگ روانی استفاده نکرده باشند. ابزارهای جنگ روانی متناسب با امکانات و وسائل متعارف آن روز بوده است. و بدیهی است که اهداف متعددی را تعقیب می‌کرده که در نهایت تسلیم طرف مقابل، مدنظر بوده است.

پیامبر اکرم (ص) با نقشی همه جانبه، که در جنگ‌ها به کار گرفته بود، دگرگونی بزرگی در آیین نبردهای جدید به وجود آورد. وی جنگ را به تمام جبهه‌ها کشاند و از هر سلاحی که می‌توانست بهره گرفت، همچنان که نبرد همه جانبه در تمام جبهه‌ها جریان داشت، «جنگ روانی» نیز با شدت مورد استفاده قرار می‌گرفت. جنگ‌های مسلحانه نتیجه عوامل نظامی، اقتصادی و روانی است و به همین دلیل به «نبرد همه جانبه» تعبیر می‌شود. (طلاس، بی تا، ص ۵۱۵ و ۵۱۶)

#### جنگ نرم در سیره پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) در برخی از موارد برای تقویت روحیه سپاه اسلام و تضعیف روحیه دشمنان اسلام اقدامات داشتند که می‌توان آن را از نمونه‌های بارز جنگ روانی علیه دشمنان دانست.

### ایجاد وحشت در دل دشمن

یکی از تاکتیک‌های مهم نظامی ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن است و این موضوع در شکست دادن دشمن سهم به سزایی دارد. پیامبر اعظم در رویارویی با دشمن از این امر مهم استفاده می‌کرد. چنانکه فتح مکه نتیجه‌ی ایجاد وحشت در دل دشمنان است. پیامبر برای فتح مکه و گشودن محکم‌ترین دژهای بت-پرستی و برانداختن حکومت ظالمانه قریش (که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود) بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر سپاهیان اسلام به منطقه «مرآالظهران» (چند کیلومتری مکه) رسیدند و برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند و هر کسی بطور مستقل آتش افروخته تا نواری از شعله‌های آتش، کلیه کوه‌ها و نقاط مرتفع را فراگیرد. مردم مکه یکباره متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای، شهر مکه را احاطه نموده است. در این لحظه سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمده و به جستجو پرداختند. در آن وقت عباس عموی پیامبر از مکه بسوی مدینه هجرت کرده بود به آن منطقه رسید و سران قریش را مطلع ساخت که این آتش و شعله‌ها مربوط به سربازان محمد است و محمد با قدرتی بزرگ آمده که قریش تاب مقاومت آن را ندارند. ابوسفیان ترسید و چاره پرسید، عباس گفت بیا تو را به ملاقات پیامبر می‌برم تا از او پناه بجویی و گرنه جان قریش در خطر است. ابوسفیان خدمت پیامبر رسید و پس از گفتگو اعتراف به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر نمود. با این حال پیامبر اعظم دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد بلکه به عباس دستور داد او را در تنگنای دره‌ای نگاه دارد تا واحدهای ارتش نوپنیا اسلام، با تجهیزات و ساز و برگ خود در برابر او رژه روند و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد و پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت اسلام بترساند و آن‌ها را از فکر مقاومت بازدارد (واقعی، ۱۴۰۹ق ص ۸۱۸).

پیامبر اکرم (ص) در محاصره طائف در کنار استفاده از نیروهای رزمی مجهز به لاج‌های آن روز، از شیوه‌های جنگ روانی نیز بهره برمی‌داشت، از جمله بریدن وسوزاندن تعداد از درخت‌های نخل و انگور که مورد علاقه مردم طائف بود و نیز وعده آزادی هرکس از بردگان دژ طائف که به مسلمانان پناهنده شود. (ابن سعد، ص ۱۵۲) برخی یاران پیامبر (ص) در جنگ‌ها لباس‌های ویژه‌ای بر تن می‌کردند که بر تضعیف روحیه دشمن اثر گذار بود. پوشیدن پوست برخی از حیوانات، بستن دستار بر سر و گذاشتن کلاه خود که پرهای طاووس بر آن نصب می‌شد، نمونه‌های از این روش‌ها بود. ابو دجانة دستار سرخ بر سر داشت و مسلمانان می‌دانستند که هر گاه او دستار ببندد، شجاعانه خواهد جنگید. زبیر دستار زرد و حمزه با پر شتر مرغی که به سینه می‌زد، شناخته می‌شد (ابن اثیر، بی تا، ص ۱۲۷)

### پیامبر اکرم (ص) و خدعه در جنگ

اهل سنت در متون فقهی خود یکی از ابزارهای مورد استفاده در عرصه‌ی جنگ با دشمن را خدعه و نیرنگ دانسته و آن را برای نیل به هدف مشروع دانسته‌اند. و بر این باورند که از نظر رسول خدا (ص) جنگ خدعه است و روایت مشهور «الحرب خدعه» که از ایشان نقل شده، در بسیاری از منابع تاریخی و حدیثی ذکر شده است (نیشابوری، ۱۳۳۴ش ص ۱۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ص ۳۳۲؛ ابن‌کثیر، ۱۳۹۸ق ص ۱۱۳). در روایتی دیگر، رسول خدا (ص) دروغ در جنگ را، از مصادیق «دروغ» نمی‌داند و علت آن را جنبه خدعه بودن جنگ ذکر می‌کند. (متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام بیروت دارالصحابه، ۱۴۱۲ ج ۳، ص ۶۳۴؛ سیوطی، اسباب ورود الحدیث، ص ۹۵)

مسعودی در مروج الذهب پس از بیان حدیث رسول خدا (ص) (الحرب خدعه) آورده است:... از کلام بسیار کوتاه و گویای رسول خدا (ص) مشخص است که قتال با شمشیر در مراحل آخر جنگ است و در مراحل ابتدایی باید از خدعه بهره برد. این مطلب را هر انسان با بصیرت، دارای سیاست و مدیریتی، خوب می‌فهمد. (مسعودی، ۱۳۷۴ ص ۲۹۳)

شکی نیست که رسول خدا (ص) در نبردهای خویش بر علیه دشمنان از تاکتیک خدعه بهره برده است. برای نمونه در جنگ خندق وقتی نعیم بن مسعود از پیامبر درخواست کرد که با خدعه بین دشمنان

(احزاب) اختلاف اندازد، پیامبر اکرم (ص) به او اجازه داد و علت این امر را جواز خدعه و فریب در جنگ دانست: فخذل عنا إن استطعت، فإن الحرب خدعة.. (ابن هشام، ۱۳۵۵ق ص ۲۲۹) در سربیه سلسله (ذات سلاسل) عمرو عاص از رسول خدا (ص) در خواست کرد با خدعه، به جنگ با دشمن برود و رسول خدا (ص) موافقت کرد و او را فرستاد. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ق ص ۱۱۳). رسول خدا (ص) در برخی از جنگ‌ها دستور می‌داد برای فریب دشمن در بسیاری از نقاط آتش بیفروزید تا دشمن تصور کند سپاه اسلام از نظر نیروی نظامی برتر است. (واقعی، المغازی، ج ۱، ۱۴۰۹ق ص ۳۳۸؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۳۸) حضرت علی (ع) حدیث پیامبر اکرم (ص) را که به یاران خویش فرموده بود: «غَبِّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷ م، ص ۱۲۲) خضاب کنید و مانند یهودیان نشوید، مخصوص زمان پیغمبر می‌دانست و معتقد بود این دستور، تاکتیک جنگی بود که دشمن نگوید این‌ها یک عده پیر و سالخورده هستند؛ یک حیلۀ جنگی بود که رسول اکرم (ص) به کار می‌برد. ولی امروزه هر که بخواد خضاب کند و هر که نخواست خضاب نکند (مطهری، ۱۳۹۰ ص ۳۰ - ۲۹). ابن ابی‌الحدید نیز به این مطلب اشاره کرده که پیامبر (ص) صحابه را امر به خضاب کرد تا در دید دشمن جوان به نظر برسند و مشرکان در جنگ از آن‌ها بترسند؛ چراکه پیر بودن نشان ضعف است (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷ م، ص ۱۲۲). همه این موارد نشان می‌دهد رسول گرامی اسلام (ص) معتقد بود باید در جنگ‌ها از تاکتیک خدعه برای غلبه بر دشمن و یا تضعیف روحیه آن‌ها بهره برد.

امیرمؤمنان علی (ع) براساس سیره رسول خدا (ص) جنگ را خدعه و فریب دشمن می‌دانست. آن حضرت در حدیثی می‌فرماید: در نبرد، بر حیلۀات بیشتر از نیرو و توانت اعتماد کن. (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷ م، ص ۱۲۲، ابن کثیر، ۱۳۹۸ق، ص ۳۰۲) در حدیث دیگری حضرت فرمود: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ ... جنگ خدعه است. سپس فرمود: به رسول خدا (ص) خبر رسید که بنی‌قریظه به ابوسفیان گفته‌اند: ما شما را در جنگ با محمد (ص) یاری می‌کنیم. پیامبر در جمع مسلمانان برخاست و فرمود: بنی‌قریظه فردی را نزد ما فرستاده‌اند و گفته‌اند: در جنگ ما و ابوسفیان، به یاری ما خواهند آمد. این خبر به ابوسفیان رسید. ابوسفیان گفت: یهودیان نیرنگ زند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۳).

ابن قدامه در کتاب المغنی، فصلی دارد تحت عنوان «و تجوز الخدعة فی الحرب للمبارز و غیره لان النبی (ص) قال: الحرب خدعة و هو حدیث حسن صحیح. (ابن قدامه، ج ۱۰، ۱۳۸۸هـ ص ۳۹۶) ایشان سپس به خدعه علی (ع) در هنگام جنگ با عمرو بن عبدود اشاره کرده است (ابن قدامه، ج ۱۰، ۱۳۸۸هـ ص ۳۹۶). به همین جهت دروغ گفتن در جنگ از نظر شرعی مجاز شمرده شده است. (خمینی، ۱۳۷۸ ص ۴۴، ۷۷، ۷۹؛ نووی، ۱۳۹۲ ص ۴۵ و ۱۴۴) صاحب کشف القناع نیز خدعه در جنگ را جایز می‌داند و دلیل بر این امر را حدیث «الحرب خدعة» ذکر می‌کند. (بهوتی، ج ۳، ص ۷۹)

#### دلیل موافقان حیلۀ در فقه عامه

موافقان کاربرد وسیع حیلۀ فقهی، از جمله حنفیان و برخی فقهای امامی و شافعی، به ادله گوناگون استناد کرده‌اند. مثلاً طبق آیه ۴۴ سوره ص (وَ خَذُ بَیْدَكَ ضَعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تُخَنِّثْ) که درباره حضرت ایوب علیه‌السلام است، وی سوگند یاد کرد یکی از کسان خود (احتمالاً همسر) را یکصد تازیانه زند. خداوند به او رخصت داد که با دست‌های مرگب از چند رشته به شمار تازیانه‌های مورد سوگند بر بدن وی بنوازد تا هم ایوب به سوگند خود وفا کند و هم آن شخص آزار کمتری ببیند.

برخی قائلان به حیلۀ به این آیه استناد جسته‌اند (سرخسی، ج ۳۰، ۱۴۰۶/۱۹۸۶. ص ۲۰۹ طوسی، ج ۵، ص ۹۵، ۱۳۸۸). سرخسی، ج ۳۰، ۱۴۰۶/۱۹۸۶. ص ۲۰۹ سمرقندی، ج ۱، ۲۰۰۵/۱۴۲۶، ص ۲۱). مخالفان حیلۀ پاسخ‌هایی داده‌اند، از جمله اینکه این رخصت در شریعت اسلام منسوخ شده است (بحیری، ج ۱، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۹-۴۷۱). دلیل دیگر موافقان، آیات مربوط به جواز توبیه و معاریض است، مانند آیه ۷۰ سوره یوسف (درباره حیلۀ یوسف برای نگهداشتن برادرش) و آیه ۶۲ و ۶۳ سوره انبیاء (درباره گفتگوی حضرت ابراهیم با بت پرستان. (جصاص، ج ۴، ص ۳۹۲، ۱۴۰۵. طوسی، ج ۴، ص ۴۹۰، ۱۴۰۷-۱۴۱۷. سرخسی، ج ۳۰، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ ص ۲۰۹. بحیری، ج ۱، ۱۳۷۶ش. ص ۴۰۵-۴۷۲)

### مقابله پیامبر با جنگ روانی دشمن

در تاریخ اسلام نیز آنجا که ابهام و اهمیت رخدادی قطعی بود، شایعات رواج و قوت می‌گرفت. چون جنگ بدر با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت، پیامبر اکرم (ص)، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه را از ائیل به مدینه فرستاد تا این خبر را به مردم برسانند. آن‌ها روز یکشنبه و در نیمروز به مدینه رسیدند و در دره عمیق از هم جدا شدند. عبدالله در محله بالای مدینه و زید در محله پایین به خانه انصار سر می‌زدند و می‌گفتند: ای گروه انصار شما را مژده باد به سلامت رسول خدا و کشته و اسیر شدن مشرکان! عتبّه و شیبّه و پسران ربیعّه و دو پسر حجاج، ابو جهل، ابوالختری، زمعه بن اسود و امیه بن خلف کشته شدند و سهیل بن عمرو و گروه زیادی به اسارت درآمدند! بچه‌ها از پی عبدالله بن رواحه حرکت می‌کردند و فریاد می‌کشیدند: ابو جهل بدکار کشته شد.

اسامه پسر زید می‌گوید: «نزد پدر آمده پرسیدم: این که می‌گویی راست است؟ زید گفت: آری، به خدا راست است، پسرکم! از این‌رو، اسامه نزد آن منافق برگشت و گفت: تو از کسانی هستی که نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان شایعه‌پراکنی می‌کنند. چون رسول خدا بیاید، گردنت را خواهد زد. منافق گفت: این چیزی بود که من از مردم شنیده بودم. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۴-۱۱۵)

در ماجرای مذاکرات صلح حدیبیه، پیامبر (ص) نیز متقابلاً نمایندگانی به سوی قریش فرستاد تا هدف آن حضرت را که زیارت خانه خدا بود، بی‌پرده به سران شرک ابلاغ کند. نخست‌خراش بن امیه خزاعی مأمور ابلاغ پیام گردید، اما آنان شتر او را پی کردند و نزدیک بود او را بکشند که با وساطت خویشان او، نجات یافت. بدین روی، پیامبر (ص)، که جدا می‌خواستند مشکل را از راه مذاکره و دگرگون ساختن افکار سران قریش حل کنند، برای بار دوم تصمیم گرفتند کسی را به نمایندگی اعزام کنند که دست او به خون قریش آلوده نباشد. این مأموریت متوجه عمر بن خطاب شد، اما او به دلایل و بهانه‌هایی از این کار امتناع ورزید و پیشنهاد کرد که عثمان بن عفان این کار را بر عهده گیرد. از این‌رو، عثمان راهی مکه شد و در پناه ابان بن سعید بن عاص وارد شهر گردید. قریش به عثمان اجازه طواف کعبه دادند. اما از بازگشت عثمان جلوگیری کردند تا شاید در این مدت، راه‌حلی پیدا کنند. بر اثر تاخیر نماینده پیامبر، هیجان و اضطراب عجیبی در میان مسلمانان پدید آمد و شایعه قتل عثمان به شدت در میان طرفین در منطقه پخش و منجر به موضع‌گیری نظامی پیامبر گردید. از این‌رو، شرایط مساعدی پدید آمد و شایعه مزبور قوت گرفت. ابهام و اهمیت موضوع، دو عامل اساسی رواج و انتشار شایعه گردید. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۰۰-۶۰۳) برای تکمیل فرایند شایعه و انتشار آن در سطحی مطلوب، باید انگیزه‌های روانی به ایجاد و استمرار آن کمک نماید (نصر، ۱۹۶۷، ص ۳۱۹-۳۲۰)

پیامبر اسلام از شگرد جنگ روانی و راه‌های مشروع در نبرد با دشمنان اسلام استفاده می‌فرمود. ایشان تا جای که ممکن بود برای درهم شکستن دشمن از سلاح استفاده نمی‌کرد. یکی از مصادیق جنگ روانی در صدر اسلام علیه دشمنان بزرگنمایی و کوچک‌نمایی در جنگ بوده است و چندین نوبت اعمال شده است که می‌توان حکم به جواز آن داد. در جریان غزوه حمراء الاسد رزمندگان اسلام شب‌ها در پانصد محل آتش بر می‌افروختند، تا شما نیروهای مسلمانان دشمنان خیلی بیش از آنچه واقعیت دارد، نشان داده شود (ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۴۷)

در جریان فتح مکه نیروهای اسلام به مکه نزدیک شده و در مرالظهران فرود آمدند. قوای اسلام پس از آنکه به طور ناگهانی مکه را محاصره نمود، پیامبر اکرم (ص) دستور فرمود: شبانگاه برای درهم شکستن روحیه دشمن دور تا دور در نقاط مرتفع ده هزار آتش افروزند. مردم مکه ناگهان متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌های شهر مکه را احاطه نموده است و این امر باعث شد تسلیم شوند و سرانجام مکه، پایگاه عظیم شرک و بت‌پرستی، بدون خونریزی با استفاده از اصل غافلگیری و شیوه جنگ روانی تسلیم شد. (واقعی، ۱۴۰۹ ص ۸۱۷/۸۱۴) در ماجرای فتح مکه، رسول خدا برای اینکه دشمن را تحت تأثیر قرار دهد و هرگونه مقاومت را از ذهن آنان بیرون کند، به عباس عموی خود، فرمود: ابوسفیان را در تنگای دره نگهدار تا سپاهیان خدا بر وی بگذرند و او ایشان را ببیند. ابوسفیان پس از دیدن

انبوه سپاهیان، با شتاب به سوی مکه رفت و دستور امان را ابلاغ کرد و مردم را از مخالفت و ایستادگی و سرسختی بر حذر داشت (ابن هشام، ۱۳۵۵: ص ۴۶)

ایراد خطبه بخصوص در شروع جنگ ایراد خطبه و سخنرانی در ابتدای جنگ یکی از اقدامات مثبت جهت تقویت روحیه رزمندگان و تحت تأثیر قرار دادن طرف مقابل بوده است. ایراد سخنرانی بخصوص سخنان حماسی و منطقی در واقع یک اتمام حجت برای طرف مقابل است، که این امر در جنگ‌هایی که یک طرف جبهه واقعی اسلام بوده ولی طرف مقابل داعیه اسلام را داشته مثل جنگ‌های امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تأثیر زیادی در روحیه طرف مقابل داشته و چه بسا افرادی را یا از میدان کارزار دور ساخته و یا علاوه بر دور کردن، داخل در جبهه خودی (اسلام) کرده است. چنانچه در جنگ جمل و جنگ صفین این امر وجود دارد. (سبحانی ۱۳۸۵: ۴۰۴)

### ایجاد وحشت در دل دشمن

یکی از تاکتیک‌های مهم نظامی ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن است و این موضوع در شکست دادن دشمن سهم به سزایی دارد. پیامبر اعظم در رویارویی با دشمن از این امر مهم استفاده می‌کرد. چنانکه فتح مکه نتیجه‌ی ایجاد وحشت در دل دشمنان است. پیامبر برای فتح مکه و گشودن محکم‌ترین دژهای بت-پرستی و برانداختن حکومت ظالمانه قریش (که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود) بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر سپاهیان اسلام به منطقه «مرآلظهران» (چند کیلومتری مکه) رسیدند و برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند و هر کسی بطور مستقل آتش افروخته تا نواری از شعله‌های آتش، کلیه کوه‌ها و نقاط مرتفع را فراگیرد. مردم مکه یکباره متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای، شهر مکه را احاطه نموده است. در این لحظه سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمده و به جستجو پرداختند. در آن وقت عباس عموی پیامبر از مکه بسوی مدینه هجرت کرده بود به آن منطقه رسید و سران قریش را مطلع ساخت که این آتش و شعله‌ها مربوط به سربازان محمد است و محمد با قدرتی بزرگ آمده که قریش تاب مقاومت آن را ندارند. ابوسفیان ترسید و چاره پرسید، عباس گفت بیا تو را به ملاقات پیامبر می‌برم تا از او پناه بجویی و گرنه جان قریش در خطر است. ابوسفیان خدمت پیامبر رسید و پس از گفتگو اعتراف به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر نمود. با این حال پیامبر اعظم دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد بلکه به عباس دستور داد او را در تنگنای دره‌ای نگاه دارد تا واحدهای ارتش نوبنیاد اسلام، با تجهیزات و ساز و برگ خود در برابر او رژه روند و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد و پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت اسلام بترساند و آن‌ها را از فکر مقاومت بازدارد (واقعی، ۱۴۰۹: ص ۸۱۸).

پیامبر اکرم (ص) در محاصره طائف در کنار استفاده از نیروهای رزمی مجهز به لاج‌های آن روز، از شیوه‌های جنگ روانی نیز بهره برمی‌داشت، از جمله بریدن و سوزاندن تعداد از درخت‌های نخل و انگور که مورد علاقه مردم طائف بود و نیز وعده آزادی هر کس از بردگان دژ طائف که به مسلمانان پناهنده شود (ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۱۵۲). برخی یاران پیامبر (ص) در جنگ‌ها لباس‌های ویژه‌ای بر تن می‌کردند که بر تضعیف روحیه دشمن اثرگذار بود. پوشیدن پوست برخی از حیوانات، بستن دستار بر سر و گذاشتن کلاه خود که پره‌های طاووس بر آن نصب می‌شد، نمونه‌های از این روش‌ها بود. ابو دجانة دستار سرخ بر سر داشت و مسلمانان می‌دانستند که هر گاه او دستار ببندد، شجاعانه خواهد جنگید. زبیر دستار زرد و حمزه با پر شتر مرغی که به سینه می‌زد، شناخته می‌شد (ابن اثیر، بی تا ص ۱۲۷)

استفاده از شعارهای رزمی رجزخوانی و انتخاب اسامی رمز و شعارهای رزمی از عوامل عمده تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن می‌باشد. شعار از دید اسلامی سخنی است که به وسیله آن افراد جبهه خودی شناخته شده و علامت و رمزی در آن نهفته است. چنانکه حضرت امام صادق - ع - طی حدیثی می‌فرماید: شعارنا «یا محمد یا محمد» و شعارنا یوم بدر «یا نصرالله اقرب» و شعارالمسلمین یوم احد «یا نصرالله اقرب» و یوم بنی‌نضیر «یا روح القدوس ارح» و یوم بنی‌قینقاع «یاربنا لا یغلبنک»، و یوم الطائف

«بارضوان» و شعار یوم حنین «یابنی عبدالله یابنی عبدالله» و یوم‌الاحزاب «حم لاینصرون» و «یوم بنی قریظه» «یاسلام اسلمهم» و یوم المرسیع و هو یوم‌بنی المصطلق «الالی الله الامر» و یوم الحدیبیه «الا لعنة الله علی الظالمین» و یوم خیبر و هو یوم القموص «یا علی آتهم من عل» و یوم الفتح «نحن عبدالله حقا حقا» و یوم تبوک «یا احد یا صمد» و یوم بنی الملوخ «امت امت» و یوم صفین «یانصرالله» و شعارالحسین «یامحمد» و شعارنا «یامحمد» (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۵)

### قاعده فقهی حرمت اختلال نظام

امروزه از عوامل اغتشاش و اختلال در نظام اسلامی، به کارگیری سلاح‌ها و تهدیدهای روانی برای تسلط و سیطره بر جامعه مسلمانان است. وجوب حفظ اسلام، کشورهای اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان از خطر انواع تعرض‌ها به خصوص تعرض‌های روحی و روانی دشمنان اسلام و بیگانگان، یکی از مسائل مسلم و مورد اتفاق فقه‌های شیعه، بلکه همه مسلمانان است و فقیهان امامیه، بر این اساس در مقابل بیگانگان را بدون هیچ قید و شرطی بر همگان واجب می‌دانند. در این باره امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید: «اگردشمن به شهرهای مسلمانان با مرزهای آنان هجوم آورد و کیان اسلام یا جامعه مسلمانان در خطر باشد، بر مسلمانان واجب است به هر وسیله ممکن از مال و جان دفاع کنند» (خمینی، ۱۳۶۸ش ص ۴۸۵).

حفظ نظام و لزوم دفاع در برابر انواع تجاوزها به اندازه‌ای حائز اهمیت است که مقدم بر فرائض دیگر است. در این باره امام خمینی (ره) می‌فرماید: افزون بر اینکه حفظ نظام اسلامی واجب است، از آنجا که مهمترین فریضه اسلام است، هرگاه در مقابل عمل تراحمی میان آن و دیگر احکام شرعی قرار بگیرد باید دیگر فرایض در آستانه آن قربانی شوند (خمینی، ۱۳۶۸: ص ۱۷۰).

البته باید اشاره کرد فقه‌های شیعه به طور مستقل درباره اختلال نظام بحث نکرده‌اند. ولی از سخنان آنان در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه از مسلمات فقه شیعه است. به عنوان نمونه، در علم اصول در بحث از دلیل انسداد، برای اثبات عدم وجوب احتیاط می‌گویند: احتیاط مستلزم اختلال نظام زندگی مردم است، پس جائز نیست بلکه حرام است، زیرا حفظ نظام واجب و اختلال نظام حرام است و چون احتیاط سبب اختلال نظام می‌شود، حرام است.

حضرت امام خمینی (ره) بر بطلان احتیاط در همه وقایع، به دو دلیل استدلال کرده است: اول: اجماع بر عدم وجوب آن، دوم اینکه احتیاط مستلزم عسر و حرج، بلکه اختلال نظام است. اگر اختلال نظام لازم آید سخنی در آن نیست؛ چرا که اختلال نظام از مواردی است که عقل حکم به قبح آن می‌نماید (خمینی، ۱۳۶۸ ص ۳۶۴) از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که براساس دیدگاه فقها البته فقه‌های امامیه - اختلال نظام مسلمانان در امور معیشت، سیاست، امنیت اجتماعی حرام است و دفاع در برابر تهاجمات که به جامعه آسیب می‌رساند و از نگاه سیاسی، فرهنگی و امنیتی تهدید می‌کند واجب است و به موجب مسلمات فقهی باید با هرگونه اختلال که باعث می‌شود جامعه مسلمانان به مخاطره افتد، دفاع و مقابله کرد و برای جلوگیری از اختلال به نظام و امنیت اجتماعی و حفظ آن استفاده از انواع سلاح که دارای مشروعیت و عقل پسند است و از آن جمله، جنگ روانی لازم است.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق به جنگ روانی از منظر فقه امامیه عامه پرداخته شده و برای تبیین این موضوع نخست به تعریف واژگان جنگ، روان، فقه، خدعه و برخی دیگر از واژگان که از لحاظ مفهومی به جنگ روانی می‌خورند، و ما را در تبیین این موضوع کمک می‌کند. پرداخته شده است.

با استفاده از برخی منابع در این نوشتار اشاره است که جنگ روانی به معنای تسخیر سرزمین رقیب و دشمن بدون درگیری فیزیکی و خونریزی است. در جنگ روانی بالاترین هنر رزمنده، پیروزی در نبرد نیست، بلکه بدست آوردن پیروزی و تسلیم دشمن بدون درگیری مستقیم و خونریزی است. گفتنی است که جنگ

روانی به پیشینه قدمت انسان می‌رسد و چیزی نوظهور نیست و امروزه از نگاه سرعت، پیچیدگی و تنوع با گذشته متفاوت بوده است.

اینگونه جنگ با استفاده از شرایط مکانی و زمانی اهداف خاص خود را دنبال می‌کند که از مهمترین آن‌ها تضعیف اعتماد به نفس، ایجاد ترس، دلهره‌گی و ایجاد دودستگی در بین افراد جامعه هدف است تا با سست کردن باورهای فرهنگی و روانی کشور هدف، در نظام سیاسی و اجتماعی آن بی‌ثباتی ایجاد کند که در این راستا بدون توجه به معیارهای انسان دوستانه و شئون اخلاقی، با ابزارها و شیوه‌های مختلف انجام می‌پذیرد و اما در حوزه معارف اسلام، جنگ و مقابله با دشمن در چارچوب و حدود شرع باید باشد و علاوه بر آن، ملاک‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی مورد توجه قرار بگیرد. این مسئله در فقه و کلام فقهای امامیه و عامه مدنظر بوده و فقها با استناد به ادله اربعه فقه یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل و همچنین قاعده فقهی وجوب حفظ نظام، با رعایت معیارهای اخلاقی و شئون انسانی، به جواز چنین جنگی علیه دشمن فتوا داده‌اند و با استفاده از برخی واژگان مانند حيله، خدعه، مکر... که در فرآیند مباحث فقهی بخصوص فقه عامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، و نیز برخی از آیات و روایات به جواز جنگ روانی استناد جسته شده است.

## منابع

### ۱- قرآن

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب ج ۵ بیروت دار صادر، چاپ سوم ۱۴۱۴ق
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۹۶۷
- ۳- ابن حنبل، احمد، مسند، ج چاپ اسلامی ۲، چاپ ششم، ۱۴۱۷ ص ۶
- ۴- ابن عابدین (محمد بن محمد امین)، حاشیه قره عیون الاخیار، ج ۸، چاپ افست بیروت ۱۳۹۹
- ۵- ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، چاپ طه عبدالرؤف سعد، بیروت ۱۹۷۳
- ۶- ابن‌قدامة، موفق الدین المغنی، ج ۱۰، مکتبه القاہرہ ۱۳۸۸هـ
- ۷- ابن تیمیہ، کتاب بیان الدلیل علی بطلان التحلیل، ج ۱، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۸. ص ۲۴۷-۲۴۸
- ۸- ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری، سیره ابن هشام، با تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الابیاری و عبد الحفظ شلیبی، مصر، مطبعه البانی، ۱۳۵۵ق
- ۹- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر البدایه و النهایه، ج ۴، بیروت دارالفکر ۱۳۹۸ق ص ۱۱۳.
- ۱۰- ابن اثیر، معزالدین علی، الکامل فی التاریخ ج ۱، لبنان بیروت
- ۱۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری: شرح صحیح البخاری، ج ۱۲، بولاق ۱۳۰۰-۱۳۰۱، چاپ افست بیروت.
- ۱۲- ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، چاپ اول، ۱۹۶۸م
- ۱۳- ایلخانی پور، علی و عبداللہی، امید؛ درآمدی بر جنگ رسانه‌ای، ۱۳۸۳، چاپ اول، ۱۳۸۳ش
- ۱۴- افتخاری، اصغر، دانشنامه قدرت نرم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۹۳
- ۱۵- آلن بیرون، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخان، تهران، ناشر: کیهان، ۱۳۸۰
- ۱۶- آقا بخشی، علی اکبر، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، ۱۳۸۹
- ۱۷- آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی تهران، چاپ هشتم، انتشارات مروارید ۱۳۵۴ش
- ۱۸- آخوندی، مصطفی، جنگ نرم در قرآن و سنت پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع) قم انتشارات زمزم، ۱۳۹۲
- ۱۹- \_\_\_\_\_ جنگ نرم در عصر رسول خدا و راه‌های مقابله با آن، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم انتشارات زمزم

### هدایت ۱۳۹۲

- ۲۰- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس کشف القناع، ج ۳، دارالکتب العلمیه بی تا و بی جا ص ۷۹.
- ۲۱- بحیری محمد عبدالوہاب، حیلہ‌های شرعی ناسازگار با فلسفه فقه، ج ۱، ترجمه حسین صابری، مشهد ۱۳۷۶ش.
- ۲۲- بوبسیش، صالح، الحیل الفقہیہ؛ ضوابطها و تطبیقاتها علی الاحوال الشخصیہ، ریاض ۲۰۰۵/۱۴۲۶. ج ۱، ص ۸۳-۸۴
- ۲۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، (چاپ محمد ذہنی آفندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- ۲۴- تہانوی، ظفر احمد عثمانی تہانوی، إعلاء السنن، ج ۱۷، بیروت ۲۰۰۱/۱۴۲۱.
- ۲۵- جبلی عاملی، زین الدین، الروضه البہیمہ فی شرح لمعہ الدمشقیہ ج ۲، بیروت، دارمعالم الاسلامی
- ۲۶- جمعی از نویسندگان، موسوعه السياسه، جلد ۲: مؤسسه العربیہ للدراسات و النشر، بیروت چاپ سوم، ۱۹۹۰م
- ۲۷- جمالی و دیگران، درآمدی در باب جنگ، تهران، نشر آجا (انتشارات عقیدتی سیای ارتش) ۱۳۸۶
- ۲۸- جان ام کالینز، استراتژی بزرگ، کورش بابندی، تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۰
- ۲۹- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقہاء قم موسسه آل البیت چاپ اول بی تا
- ۳۰- خمینی، سید روح الله، انوار الہدایہ، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا
- ۳۱- خمینی، سید روح لله المکاسب المحرمه، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸

- ۳۳- بهوتی، کشف القناع، ج ۳، ص ۷۹.
- ۳۴- خدا پرستی، فرج الله، فرهنگ معارف تهران فرهنگ معاصر ۱۳۸۵
- ۳۵- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۳
- ۳۶- ذوالفقاری، مهدی، اصول و مبانی عملیات روانی، تهران انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۹۱
- ۳۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق
- ۳۸- رابرت بارون و دیگران، روانشناسی اجتماعی، ترجمه دکتر یوسف کریمی، تهران، روان، ۱۳۸۹
- ۳۹- سمرقندی سعیدبن علی، جَنَّةُ الاحکام و جَنَّةُ الخِصام فی الحیل و المخارج، ج ۱، ص ۲۱، چاپ صفوة کوسه و الیاس قبلان، بیروت ۲۰۰۵/۱۴۲۶
- ۴۰- زبیدی محمدبن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ذیل «حول»، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
- ۴۱- سرخسی محمدبن احمد شمس الاثمه، کتاب المبسوط، ج ۳۰، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.
- ۴۲- سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الاحکام، قم موسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق
- ۴۳- سبحانی، جعفر فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب ۱۳۸۵ش
- ۴۴- سخنان مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۹/۴
- ۴۵- سعادت‌مند ابوالفضل جنگ سرد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
- ۴۶- سون تزو، هنر رزم، ترجمه نادر سعیدی، تهران کاروان ۱۳۸۷
- ۴۷- شیبانی محمدبن حسن، المخارج فی الحیل، ج ۱، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، بی تا ص ۸۶
- ۴۸- صفوی، حسن، افکار عمومی تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۴۱ش
- ۴۹- طریقی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵
- ۵۰- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامایه، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه ۱۳۸۷
- ۵۱- طبرسی، فضل بن حسن جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران. ۱۳۷۷
- ۵۲- طلاس مصطفی، پیامبر وائین نبرد، ترجمه حسن اکبری مرزناک، مؤسسه انتشارات بعثت، بی تا
- ۵۳- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ پنجم ۱۴۱۷ق
- ۵۴- عاملی، زین الدین، فائد القواعد، قم دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۴۱۹
- ۵۵- عاملی، حسن بن زین العابدین، معالم الدین وملاذ المجتهدین، انتشارات معارف اسلامی
- ۵۶- عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، تدوین و تنظیم: ابراهیم موسی زاده، تهران دانشگاه تهران، موسسه انتشارات ۱۳۸۹
- ۵۷- عالم، عبد الرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران نشر نی ۱۳۷۳ش
- ۵۸- غیب غلامی هرساوی حسین، الامام البخاری و فقه اهل العراق: دراسة فی موقف البخاری من ابی حنیفة، بیروت ۱۴۲۰/۲۰۰۰.
- ۵۹- فاضل کاظمی، جواد، مسالک الافهام الی آیات الاحکام بی تا و بی جا
- ۶۰- فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملا ۱۴۱۹ق
- ۶۱- فراهیدی، خلیلی ابن احمد، کتاب العین، ج ۲، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰
- ۶۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱
- ۶۳- قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ذیل آیه، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵.
- ۶۴- کریمی، یوسف، جنگ روان غرب علیه ایران، مجله سیاست دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) سال اول شماره ۲/ ۱۳۷۲
- ۶۵- گنجی، حمزه، روانشناسی عمومی، تهران، ساوالان ۱۳۸۸
- ۶۶- لطیفی، لطفعلی ناتوی فرهنگی و براندازی نرم (مجموعه مقالات) پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم نشر زمزم هدایت ۱۳۸۹
- ۶۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۳
- ۶۸- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام بیروت دارالصحابه، ۱۴۱۲ ج ۳
- ۶۹- متفکر، حسین؛ جنگ روانی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۶
- ۷۰- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، ۱۳۹۰
- ۷۱- مطهری مرتضی، حماسه حسینی، جلد ۳، چاپ چهارم، (انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۶
- ۷۲- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران بنگاه نشر و ترجمه کتاب ۱۳۶۰ش
- ۷۳- مرآی، احمد مصطفی، تفسیر المرآی، بیروت، دار احیاء التراث العربی بی تا
- ۷۴- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین مروج الذهب، ج ۲، مترجم: ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فکری چاپ پنجم تهران ۱۳۷۴